رویش روان شناسی، سال هفتم، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۳۲، بهمن ماه ۱۳۹۷
Rooyesh-e-Ravanshenasi, *7*(11), 201

تبیین مدل نظری برای خودمتمایزسازی، راهبرد های مقابله ای و تعهدزناشویی زوجین

Explanatory theoretical Model for Differentiation of Self, Coping Strategies and marital commitment of couples

دکترناصر یوسفی
عضو هیات علمی مشاوره خانواده دانشگاه کردستان
آزاد قربانی
کارشناس ارشد مشاوره خانواده
آرمان عزیزی
دانشجوی دکترای مشاوره خانواده

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تدوین مدل روابط خودمتمایزسازی، راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی بود. جامعه پژوهش همه معلمان مدارس شهر کامیاران و همسرانشان بودند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ مشغول به تدریس بودند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۲۵۰ زوج(۵۰۰ نفر) انتخاب شدند. هر نفر پرسشنامه های تمایزیافتگی، سبک های مقابله با شرایط پراسترس و تعهد زناشویی را پاسخ دادند. تحلیل داده ها با دو نرم افزار **Spss** و **Amos** انجام شد. نتایج بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار بین تعهد زناشویی با مقابله مسئله مدار و با جایگاه من می باشد. همچنین رابطه منفی و معنی داری بین تعهد زناشویی و مقابله هیجان مدار مشاهده شد. از طرفی رابطه مثبت و معنادار بین مقابله مسئله‌مدار و جایگاه من، بین مقابله هیجان‌مدار با واکنش عاطفی و با آمیختگی با دیگران وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سطح

Dr Nasser Yousefi
Member of the Faculty of Family Counseling, University of Kurdistan

Azad Ghorbani
Master of Family Counseling

Arman Azizi
Ph.D. student of family counseling

Abstract

The most important aspect of marital relationship is commitment which has relation with love, satisfaction and stability of marriage. Understanding variables that set the conditions for marital commitment is very important. The aim of this present study is to develop a model to differentiation of self, coping strategies, and the marital commitment. The research was a descriptive-correlational study. The population consisted of all teachers and their spouse swho were teaching in the academic in Kamyaran, Iran in 2016 .The sample consisted of 500 parents (250 couples)who were selected by simple sampling methodand completed differentiation of self, coping with stressful situations and marital commitment. The data from the questionnaires were analyzed using AMOS software. The Results indicate apositive and significant relationship between marital commitment swith coping strategies and I position Also negative and significant relationship was observed between marital commitment and emotion-focused coping strategies. Also there are significant positive correlations between thet ask-oriented

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

خودمتمایزسازی افراد و راهبردهای مقابله‌ای آنها می‌تواند پیش بین خوبی برای تعهد زناشویی باشد.

واژه های کلیدی: تعهد زناشویی، راهبردهای مقابله‌ای، تمایزیافتگی.

coping and I position, and between emotion-oriented coping and reactivity emotional and With others fusion. The results indicate that levels of differentiation and coping strategies can bea good predictor of marital commitment. Therefore, Modification these two variables we can enhance marital commitment.

Keywords: Marital Commitment, Coping Strategies, Differentiation of self.

مقدمه

تعهد مهمترین جنبه کیفی یک رابطه است و در لغت به معنای عهد و پیمان بستن می باشد(امانی و بهزاد، ۱۳۹۰). هر ازدواج موفقی سه رکن اساسی جاذبه، تفاهم و تعهد دارد. تعهد موجب احساس امنیت روانی می شود و بدون تعهد هرگونه رابطه ای سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود(موسکو[1]، ۲۰۰۹). استرنبرگ نیز تعهد را یکی از اجزای اصلی عشق می داند(میرمحمد صادقی، ۱۳۸۴). تعهد زناشویی به معنای وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، خوشی و ناخوشی و تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر پایه قصد و نیت می باشد(مک کارتی[2]، ۱۹۹۹). چهار سطح اصلی تعهد عبارت است از: ۱- تعهد به اینکه زوجین از لحاظ جنسی و احساسی(عاطفی) «تک همسر» باشند. ۲- تعهد زوجین به اینکه در جهت خلق صمیمیت و ارتباط احساسی بر روی رابطه شان کار کنند. ۳- تعهد زوجین به اینکه آینده شان را با یکدیگر زندگی کنند. ۴- تعهد زوجین به اینکه تا پایان عمر با یکدیگر زندگی خواهند کرد(دی آنجلیس[3]، ۱۳۸۲). نشان و عیار تعهد، مسئولیت است که معیاری فراهم می آورد که زوجین خود را با آن بسنجند(بک[4]، ۱۳۸۸). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت های حل مسئله مناسب تر و رضایت زناشویی رابطه دارد(کاپینوس و جانسون[5]، ۲۰۰۳؛ مسترز[6]، ۲۰۰۸؛ تیلگمن[7]، ۲۰۰۸).

[1] Mosako
[2] MacCarthey
[3] Angelis
[4] Beck
[5] Kapinus & Johnson
[6] Masters
[7] Tilghman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

تعهد در یک رابطه شامل توافق و قصد بر حفظ رابطه در دراز مدت است و بر شرایطی که زوج ها را کنار هم نگه می دارد، تاکید می کند و در واقع ثبات جزء اصلی تعهد می باشد(ایمپت[1]، ۲۰۰۱). زوجینی که در مورد تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و رفتاری دوسوگرایانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و کار کردن با دیگران دچار مشکل خواهند شد و غالباً نتیجه این امر، بی‌وفایی خواهد بود(اولیاء ، ۱۳۸۸). آدامز و جونز[2] تعهد زناشویی را بر مبنای سه اصل رضایت زناشویی، احساس وظیفه جهت ادامه دادن به رابطه و وحشت از پیامدهای ناگوار پایان دادن به ازدواج دانسته اند(موسکو[3]، ۲۰۰۹). در این زمینه کاپینوس[4] و جونز(۲۰۰۳) سه نوع تعهد زناشویی را مشخص کردند: ۱- تعهد به همسر، که به معنای تمایل فرد برای باقی ماندن در رابطه است و این سه عامل یعنی افراد موجود در رابطه، جذب رابطه شدن و هویت زوج ها در آن اثر گذار می باشد. ۲- تعهد اخلاقی، عملی است که فرد اخلاقا متعهد می شود که به رابطه ادامه دهد و شامل اعتقاد به ارزش‌هایی مانند: عمل به قول خود، حفظ ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و احساس دین به همسر(کاوی، ۱۳۸۸). ۳- تعهد اجباری، که به معنای ادامه دادن اجباری به ازدواج به خاطر وضعیت فرزندان، مسایل مالی و... است(نجاریان پور،۱۳۸۷؛ کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰). زوجینی که نسبت به هم تعهد بیشتری دارند؛ از همسازی بیشتر، ارتباط موثرتر و مشکل گشایی کارآمدتر برخوردارند(براند، براون و راگس دیل[5]، ۲۰۰۵). فلیپ رایس[6](۱۹۸۷) معتقد است که تعهد در تلاش یا عدم تلاش زوج ها برای حل مشکلاتشان نقش مهمی دارد(امانی و بهزاد، ۱۳۹۰).

یکی از ابعاد روابط زناشویی، راهبرد های مقابله با استرس است که زوجین هنگام مواجهه با مشکلات زناشویی به کار می گیرند(پیت وکایسر[7]، ۲۰۰۶). استرس به عنوان یک پدیده روان شناختی از عوامل مهم در بروز بسیاری از اختلالات روانی است(سولاز، سالتن

[1] Impett
[2] Adams & Jones
[3] Mosko
[4] Kapinus
[5] Brandau-brown & Ragsdale
[6] Philip Rice
[7] Pihet & Kayser

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

و گاراچاگا[1]، ۲۰۱۲) و از این رو در سال های اخیر استرس و راهبردهای مقابله با آن که با کیفیت زندگی نیز ارتباط معنادار دارد، در گروه های مختلف بسیار مورد توجه قرار گرفته است(چنگ، کو و لی[2]، ۲۰۱۲).

مقابله واجد یک مفهوم معین نیست بلکه اصطلاحی است که مفاهیم متفاوت را زیر پوشش خود قرار می دهد و می‌توان آن را با اصطلاح‌های متعددی مانند راهبردها، تدبیرها، پاسخ‌ها، شناخت‌ها یا رفتارها مشخص کرد(شوارتزر و شوارتزر[3]، ۱۹۹۶). شیوه های مقابله، راهبردهای شناختی و رفتاری می باشد که برای کنترل یک موقیت کنترل کننده زندگی از سوی افراد به کار گرفته می شوند(تانگیر، لیپمن و گلاسر[4]، ۲۰۱۰). این شیوه های مقابله‌ای که آموخته شده و اکتسابی است و عوامل ژنتیک نیز در آن نقش دارند، ممکن است تغییر کرده و رشد یابد و خانواده نقش مهمی در تمرین استفاده فرزندان از راهبردهای مقابله با رویدادهای پراسترس دارد(غضنفری و قدم پور، ۱۳۸۷؛ کوان[5]، ۲۰۰۴؛ آریتا[6]، ۲۰۰۸، نیاگرن، کارستنسن و لودویگسون[7]، ۲۰۱۲).

سبک‌های مقابله هیجان‌مدار و اجتناب‌مدار با آشفتگی روان شناختی ارتباط دارند(کاریکلا و پانایتو[8]، ۲۰۱۱). لازاروس و فولکمن[9](۱۹۸۴) راهبردهای مقابله را به عنوان مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری و شناختی که هدفشان به حداقل رساندن فشارهای موقعیت استرس‌زا است تعریف کرده‌اند. هر چند راهبردهای مقابله‌ای فعالیت‌های زیادی را شامل می شوند، اکثر آنها مبین تلاش برای بهبود یک موقعیت دشوار مثل طراحی نقشه و اقدام عملی(مقابله مسئله‌مدار) یا برای تنظیم درماندگی هیجانی مثل جستجوی دیگران برای حمایت عاطفی یا کاهش شدت دشواری موقعیت از نظر شناختی(مقابله هیجان‌مدار) هستند(چراغی، ۱۳۸۹). راهبردهای مقابله‌ای موثر باعث می‌شوند که واکنش فرد به سطوح

[1] Soulas, Sultan & Gurruchaga
[2] Cheng, Kuo & Lee
[3] Schwarzer & Schwarzer
[4] Tangir, Lippman & Glaser
[5] Coan
[6] Arieta
[7] Nygren, Carstensen, & Ludvigsson
[13] Karekla, & Panayiotou
[9] Lazarus & Folkman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

بالای تنیدگی کاهش یابد و آثار زیانبار آن تعدیل شود(فرزین راد، اصغرنژاد و یزدان دوست، ۱۳۸۹).

سه راهبرد مقابله ای اصلی عبارت اند از: راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار، اجتناب‌مدار و هیجان‌مدار است(اندلر و پارکر[1]، ۱۹۹۰). راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار شیوه‌هایی را توصیف می‌کند که براساس آن فرد اعمالی را که باید برای کاهش یا از بین بردن یک عامل تنیدگی‌زا انجام دهد، محاسبه می‌کند. راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی مستلزم فعالیت‌ها و تغییراتی شناختی است که هدف آنها اجتناب از موقعیت تنیدگی‌زا می باشد. راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار شیوه‌هایی را توصیف می کند که بر اساس آن فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاش او متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خود می باشد(هالاماندریس و پاور[2]، ۱۹۹۹).

به طور کلی هرچه امتزاج خانواده بیشتر باشد، احتمال اضطراب و بی ثباتی بیشتر خواهد شد و تمایل خانواده برای یافتن راه حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله‌گیری و اختلال در عملکرد بیشتر خواهد شد(استینبرگ و سیلبرگ[3]، ۲۰۱۲). به نظر بوون درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت رفتار خودکار از احساسات، بیانگر میزان تفکیک خویشتن است(سیدمحمدی، ۱۳۸۹). افراد تمایز یافته برای سهیم شدن در اضطراب به آسانی تحت تاثیر دیگران قرار نمی گیرند(پینئو[4]، ۲۰۱۲). مفهوم خودمتمایزسازی اساسی ترین مفهوم نظریه بوون[5] است که به منظور تبیین عملکرد خانواده به کار می رود(بوون، ۱۹۷۸، نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کلور[6]،۲۰۰۹). خودمتمایزسازی، توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی، احساسی، صمیمیت و خودمختاری خویش از دیگران است(بوون، ۱۹۷۸؛ اسکورن و دندی[7]، ۲۰۰۴).

خودمتمایزسازی شامل دو بعد درون روانی و بین فردی می‌باشد. بعد درون روانی خودمتمایزسازی موجب رشد الگوهای خود انعکاسی به منظور شناخت خودمان"چه کسی

[1] Endler & Parker
[2] Halamandaris & Power
[3] Steinberg & Silverberg
[4] Pineo
[5] Bowen
[6] Klever
[7] Skowron & Dendy

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

هستیم"، "چه کسی نیستیم" و "زندگی چیست" می شود(بوون، ۱۹۷۸؛ یویا[1]، ۲۰۰۷). بعد بین فردی خودمتمایزسازی به معنی توانایی فرد در کسب کنترل عاطفی و افکار براساس شخصیت خود و در عین حال ماندن در جو عاطفی شدید خانواده است، یعنی روابط فرد با دیگران و میزان امتزاج فرد با دیگران را نشان می دهد(سیدمحمدی، ۱۳۸۹؛ تایسون و فریدلندر[2]، ۲۰۰۰؛ ویفین[3]، ۲۰۱۲). چهار عامل مهم پیش بینی کننده سطح خودمتمایزسازی می باشد: واکنش پذیری هیجانی، حساسیت بیش از حد در پاسخ دهی به محرک های محیطی اشاره دارد. جایگاه من، به احساس واضح طرفداری از عقاید خود در زمان تحت فشار قرار گرفتن برای عمل به شیوه‌ای متفاوت اشاره دارد. گسلش عاطفی، ترس از صمیمیت و احساس آسیب پذیری در روابط با دیگران است. آمیختگی با دیگران: به مثلث سازی و همانند سازی شدید با دیگران مربوط می شود(گلاد[4]، ۲۰۰۵؛ دیکسار[5]، ۲۰۰۸).

بوون بر این باور بود که سطح خودمتمایز سازی فرد در خانواده اصلی اش به دست می آید و در آینده او تاثیر می گذارد(ماینارد[6]، ۲۰۰۰). به عقیده بوون همه بیماری‌های روانی و جسمانی، مشکلات اجتماعی و به ویژه مشکلات زناشویی با سطح خودمتمایزسازی رابطه دارد(هراس[7]، ۲۰۰۸). افرادی که از سطح خودمتمایزسازی بالایی برخوردارند قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند و رفتاری مستقل داشته و کمتر واکنش های هیجانی نشان می دهند. آنها تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و در روابط بین فردی آرامش خود را حفظ می کنند(بوون، ۱۹۷۸). به لحاظ نظری خودمتمایزسازی پایین به مشکلاتی از جمله نارضایتی زناشویی، مثلث سازی، درماندگی جسمانی و روانی، واکنش پذیری هیجانی، اضطراب مزمن و انتخاب همسر با سطح خودمتمایزسازی مشابه منجر می‌شود(بوهلندر[8]،۱۹۹۹؛ الیسون ورابین[9]،۲۰۰۱؛ میلر[10]، ۲۰۰۴).

[1] Yooya
[2] Tuason & Friedlander
[3] Whiffen
[4] Glade
[5] De Cesar
[6] Maynard
[7] Heras
[8] Bohlnder
[9] Elieson & Rubin
[10] Miller

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

سطح خودمتمایزسازی با توانایی فرد برای کاهش اضطراب ارتباط دارد(یوتن[1]، ۲۰۱۱). در پژوهش زارعی و حسینقلی(۱۳۹۳) پیش بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایزیافتگی خود در بین دانشجویان متاهل انجام شد. نتایج نشان داد که خودمتمایزسازی با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد. شاهقلیان و همکاران(۱۳۸۶) رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله با استرس با الگوهای ارتباطی میان زوجین را بررسی کرده‌اند. سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار رابطه مثبت و دو سبک هیجان‌مدار و اجتناب‌مدار رابطه منفی و معناداری با الگوهای سازنده متقابل نشان دادند. زارعی و همکاران(۱۳۹۰) تعیین سهم خودمتمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه را در پیش بینی سازگاری زناشویی را بررسی کردند. یافته ها نشان داد که خودمتمایز سازی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد.

تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است(دن و اسپانیر[2]، ۲۰۰۵). با این حال تاکنون در مورد رابطه دو متغیر خودمتمایزسازی و راهبردهای مقابله ای و نقش آن در ارتباط با تعهدزناشویی با روش مدل یابی معادلات ساختاری پژوهشی در کشورمان صورت نگرفته است. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش بینی کننده خودمتمایزسازی و راهبرد های مقابله ای در میزان تعهد زناشویی زوجین می‌باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضـر با در نظر گرفتن هدف آن بنیادی می باشـد و با توجه به اینکه مداخله ای در مورد داده ها صورت نگرفته، توصیفی از نوع همبستگی است. همچنین این پژوهش از نوع مدل یابی معادلات ساختاری می باشد که هدف از آن بررسی رابطه سازه های نهان برونزا و درونزا موجود در مدل است. جامعه آماری این پژوهش را همه معلمان مدارس سطح شهر کامیاران و همسران آنها تشکیل می دهند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ مشغول به تدریس بودند. از این جامعه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۲۵۰

[1] Utne
[2] Dean & Spanier

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

زوج (۵۰۰ نفر) انتخاب شـــدند. برای تحلیل داده ها از دو نرم افزار Spss و Amos استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تعهد زناشویی(DCI) آدامز و جونز: این پرسشنامه که ۴۴ گویه دارد و براساس طیف لیکرت نمره گذاری شده است، توسط آدامز و جونز(۱۹۹۷) با هدف سنجش تعهد زناشویی زوجین ساخته شده است. این پرسشنامه سه خرده مقیاس تحت عنوان تعهد به همسر(۱۰ گویه)، تعهد به ازدواج(۱۲ گویه) و احساس تعهد(۲۲ گویه) دارد. در ایران نیز شاه سیاه و همکاران (۱۳۸۷) اعتبار این پرسشنامه را تایید کرده اند. آنها پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ گزارش کرده اند.

پرسشنامه مقابله با شرایط پر استرس- فرم کوتاه(CISS-21): این پرسشنامه که حاوی ۲۱ عبارت در طیف لیکرت پنج درجه ای می باشد، توسط کالزبیک وهمکاران براساس پرسشنامه اصلی مقابله با شرایط پراسترس(اندلر و پارکر، ۱۹۹۰) ساخته شده است و سه سبک مقابله اصلی مسئله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار را مورد ارزیابی قرار می دهد. سبک اجتناب‌مدار شامل دو بعد سرگرمی اجتماعی و توجه گردانی می باشد. بویسان(۲۰۱۲) ضریب آلفابرای خرده مقیاس مقابله مسئله‌مدار ۷۲/.، مقابله هیجان‌مدار ۷۷/. و مقابله اجتنابی ۷۴/. را برآورد کرد. در ایران نیز بهادری(۱۳۹۱) آلفای کرونباخ را برای هر یک از سه سبک مقابله مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتناب‌مدار به ترتیب ۶۷/.، ۷۱/. و ۷۹/. گزارش کرده است.

پرسشنامه خودمتمایزسازی(DSI): این پرسشنامه که توسط اسکورون(۲۰۰۰)ساخته شده است، ابزاری ۴۶ سؤالی است که به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد به کار می رود و از چهار خرده مقیاس شامل: «واکنش پذیری عاطفی»، «جایگاه من»، «گریز عاطفی» و «هم آمیختگی عاطفی با دیگران» تشکیل شده است. در پژوهش اسکورن و اسمیت(۲۰۰۳) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و پایایی خرده مقیاس های واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه گردید. در ایران نیز اسکیان(۱۳۸۴) پایایی کل آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد کرده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

یافته های پژوهش

با در نظر گرفتن اینکه پژوهش حاضر در میان زوجین صورت گرفته است بنابراین ۵۰ درصد از افراد نمونه را مردان و ۵۰ درصد دیگر را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین سن شرکت کنندگان در کل ۳۳/۶۳ سال(انحراف معیار ۴/۸۶) و میانگین سن مردان ۳/۳۸(انحراف معیار ۴/۷۱) و میانگین سن زنان ۳۱/۸۶(انحراف معیار ۴/۳۴) بود. از لحاظ تحصیلات ۱۵۱ نفر دیپلم و پایین تر، ۶۹ نفر فوق دیپلم، ۲۲۴ نفر لیسانس و ۳۰ نفر فوق لیسانس و بالاتر داشتند.

جدول ۱- میانگین وانحراف معیار و همبستگی متغیرهای بررسی شده

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
۱- تعهد زناشویی	۱۳۷/۹۰	۱۳/۷۳	۱		
۲- راهبرد های مقابله	۶۴/۵۰	۹/۱۵	٭۰/۴۶	۱	
۳- خود متمایزسازی	۱۵۶/۱۷	۲۵/۳۴	٭۰/۴۳	٭۰/۳۷	۱

٭P< 0/01

مطابق جدول شماره(۱) میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای تعهد زناشویی به ترتیب ۱۳۷.۹۰(۱۳.۷۳)، برای راهبردهای مقابله ۶۴.۵۰ (۹.۱۵) و برای خودمتمایزسازی ۱۵۶.۱۷(۲۵.۳۴) می باشد. با توجه به این جدول رابطه همبستگی مثبت و معنی داری بین تعهد زناشویی وراهبردهایمقابله(۰/۴۶)، تعهدزناشویی و خودمتمایز سازی(۰/۴۳) و راهبرد مقابله و خودمتمایزسازی(۰/۳۷) وجود دارد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

جدول شماره ۲: همبستگی بین خرده مقیاس های متغیرهای بررسی شده

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- واکنش عاطفی	۱							
۲- جایگاه من	۰/۲۴	۱						
۳- گریزعاطفی	۰/۵۱	۰/۱۸	۱					
۴- آمیختگی با دیگران	۰/۶۳	۰/۰۶	-۰/۴۲	۱				
۵- مسئله مدار	-۰/۰۸	۰/۴۳	-۰/۰۶	-۰/۱۷	۱			
۶- هیجان مدار	۰/۴۹	-۰/۰۷	۰/۲۱	۰/۳۸	-۰/۱۳	۱		
۷- اجتناب مدار	۰/۱۳	۰/۰۰۷	-۰/۱۰	۰/۲۰	-۰/۰۱	۰/۲۲	۱	
۸- تعهد زناشویی	۰/۰۴	۰/۴۸	۰/۰۲	-۰/۱۰	۰/۳۹	-۰/۳۸	۰/۰۵	۱

مطابق جدول شماره (۲) همبستگی مثبت و معناداری بین تعهد زناشویی با خرده مقیاس جایگاه من(۰/۴۸) و بین تعهدزناشویی و راهبرد مسئله مدار(۰/۳۹) وجود دارد. همچنین همبستگی منفی و معنی داری بین تعهد زناشویی و راهبرد هیجان مدار(۰/۳۸-) وجود دارد . از طرفی همبستگی مثبت و معنادار بین خرده مقیاس های راهبرد مسئله مدار و جایگاه من(۰/۴۳)، بین خرده مقیاس های راهبرد هیجان مدار و واکنش عاطفی(۰/۴۹) و بین خرده مقیاس های راهبرد هیجان مدار و آمیختگی با دیگران(۰/۳۸) می باشد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

برای ارزیابی برازش الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می شود. سه شاخص برازش مطلق[1] که در جدول شماره (۳) گزارش شده است، X^2 یا CMIN، GFIو AGFI می باشد که کاربرد زیادی در مدل سازی معادلات ساختاری دارد. شاخص برازش تطبیقی یا نسبی[2] CFI نیز گزارش شده که مدل پیشنهادی را با مدل پایه که قائل به وجود واریانس بین متغیرها نیست، مقایسه می کند(هومن، ۱۳۸۴). همچنین شاخص‌های برازش مقتصد[3] گزارش شده که شامل RMSEA و CMIN/df می باشد. در جدول شماره (۳) شاخص های برازش مربوط به مدل پیشنهادی بیان شده است. مقدار CMIN (۱۰۷/۸۷) با درجه آزادی ۲۸ در مقایسه با مدل مستقل که ۱۱۳۱/۸۸ می باشد، مقدار مطلوبی را نشان می دهد. مقدار مجذور کا نسبت به درجه آزادی CMIN/df(۳/۸۵) می باشد که با توجه به اینکه بین ۲ تا ۵ است، برازش قابل قبولی را نشان می دهد. شاخصGFI، AGFI و CFI ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۲ و ۰/۹۳ است که به دلیل نزدیک به یک بودن نشان دهنده برازش مطلوب مدل می باشد.

جدول ۳- شاخص های برازش مربوط به مدل پیشنهادی

شاخص برازش	CMIN	CMIN/df	GFI	CFI	AGFI	RMSEA	HOELTER
مدل تدوین شده	۱۰۷/۸۷	۳/۸۵	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۰۷۷	۲۱۴
مدل اشباع شده	۰/۰۰۰	---	۱	۱	---	---	---
مدل مستقل	۱۱۳۱/۸۸	۲۵/۱۵۳	۰/۶۴۸	۰/۰۰۰	۰/۵۷۰	۰/۲۲۵	۳۰

برازش مدل هایی که دارای مقادیر RMSEA بالاتر از ۰/۱۰ هستند ضعیف تلقی می شود که مقدار به دست آمده در مدل یعنی RMSEA(۰/۰۷۷) حاکی از خوب بودن آن است. شاخص HOELTER مناسب بودن حجم نمونه را مشخص می کند، که مطابق

[1] Absolute Fit Indices
[2]Comparative Fit Indices
[3]Parsimonious fit Indices

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

جدول بالا مقدار آن در سطح ۰/۰۱ ، ۲۱۴ است و بنابراین حجم نمونه کافی بوده است. نمودار (۱) الگوی تایید شده مدل معادلات ساختاری برای سه متغیر خودمتمایزسازی، راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی را نشان می دهد که تمام وزن های رگرسیونی معنی دار هستند.

مدل پیشنهادی در نمودار(۱) نشان دهنده این می باشد که سطح خودمتمایزسازی و راهبردهای مقابله‌ای زوجین بر تعهد زناشویی آنها تاثیر می‌گذارد و توانایی پیش‌بینی میزان تعهد زناشویی آنها را دارد. مطابق نمودار بالا خودمتمایزسازی(۰/۴۳) و راهبردهای مقابله-ای(۰/۸۷) بر تعهد زناشویی زوجین تاثیر دارد. همان طور که در نمودار مشاهده می شود، بین خودمتمایزسازی و راهبردهای مقابله زوجین نیز همبستگی بالایی(۰/۷۶) دیده می شود. بنابراین می توان گفت که ترکیبی از این دو متغیر تعهد زناشویی را بهتر پیش بینی می‌کند. از بین خرده مقیاس‌های خودمتمایزسازی، واکنش پذیری عاطفی(۰/۹۰) بیشترین تاثیر بر روی این متغیر گذاشته است. در میان خرده مقیاس های راهبردهای مقابله، راهبرد هیجان مدار(۰/۶۹) بیشترین تاثیر بر روی این متغیر داشته است. همچنین بیشترین تاثیری که در میان خرده مقیاس های تعهدزناشویی بر روی آن گذاشته است، مربوط به خرده مقیاس تعهد به ازدواج(۰/۷۱) می باشد.

تمام مسیرهای کواریانس نیز معنی دار است($P< 0/05$). همبستگی مثبت و معنی‌دار بین خرده مقیاس‌های احساس تعهد و جایگاه من(۰/۵۰)، احساس تعهد و راهبرد مسئله-مدار(۰/۴۳) و بین راهبردمسئله‌مدار و جایگاه من(۰/۴۸) وجود دارد. از طرفی همبستگی منفی و معنی‌داری بین خرده مقیاس‌های جایگاه من و راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار(۰/۲۲) وجود دارد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

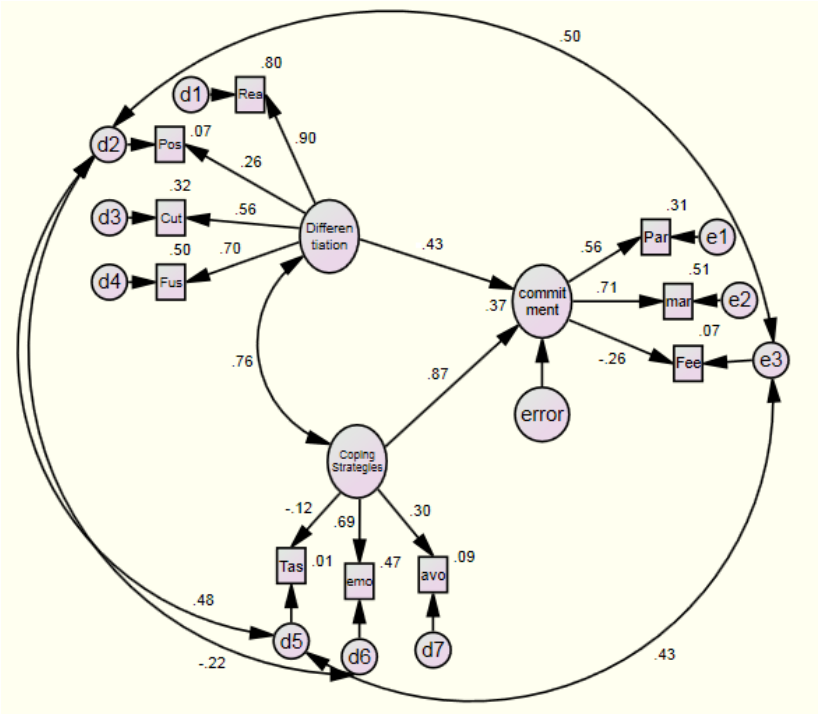

نمودار شماره (۱). مدل معادلات ساختاری برای خودمتمایزسازی و راهبرد های مقابله‌ای با تعهد زناشویی

بحث و نتیجه گیری

خانواده کانون التیام بخش دردها و محل ارضاء نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است که خمیرمایه هیجانی انسان در دوران کودکی و در سیستم خانواده شکل می گیرد(ثنائی، ۱۳۸۷؛ امانی و بهزاد،۱۳۹۰؛ عدالتی و ردزان[1]، ۲۰۱۰). یکی از کارهایی که خانواده سالم انجام می دهد، ایجاد احساس تعهد در قبال دیگر اعضای خانواده می باشد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه به رشد و تعالی هر یک از اعضای خانواده کمک می کنند(هاریس[2]، ۲۰۰۶). تعهد موجب پایدار نگه داشتن رابطه به هنگام مواجهه با مشکلات و شرایط دشوار زندگی می

[1]Redzuan
[2]Harris

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

گردد(برایتون[1]، ۲۰۰۲) و در مقابل فقدان تعهد زناشویی مهمترین عامل مؤثر در بروز طلاق محسوب می‌گردد. تعهد زناشویی به عنوان یک مکانیسم کنترل وحشت عمل می‌کند و در رابطه اعتماد و گرمی می‌آفریند(فلورین، میکولنکر و هیرشبرگر[2]، ۲۰۰۲).

نتایج پژوهش ویتسون و الشیخ[3](۲۰۰۳) و مسترز(۲۰۰۸) نشان داد که سلامت روانی بالا باعث افزایش تعهدزناشویی می‌شود و افراد به جای پیمان شکنی از مهارت‌های مناسب حل مسئله استفاده می کنند. بنابراین مطالعه متغیرهایی که بر تعهد زناشویی تاثیر گذارند از اهمیت بالایی برخوردار است. با در نظر گرفتن این مطالب، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده خودمتمایزسازی و راهبردهای مقابله ای در میزان تعهد زناشویی زوجین می‌باشد. با توجه به شاخص‌های برازش در جدول شماره(۳) و نمودار شماره(۱)، فرضیه پژوهش به صورت کلی تایید گردید. یعنی تعهد زناشویی با متغیرهای خودمتمایزسازی و راهبردهای مقابله‌ای قابل پیش بینی می‌باشد. در مجموع نتایج جداول و نمودار مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که بین خرده مقیاس احساس تعهد با جایگاه من در متغیر خودمتمایزسازی و راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار رابطه مثبت و معنی‌دار برقرار است. بنابراین، هرچقدر سطح خودمتمایزسازی فرد بالاتر باشد، احساس تعهد بالاتر می‌رود و استفاده از راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار نیز بیانگر تعهدزناشویی بالاتر می باشد.

همچنین همبستگی منفی و معنی‌داری بین تعهد زناشویی و راهبرد هیجان مدار وجود دارد. به این معنی که استفاده از راهبرد مقابله هیجان مدار نشان دهنده تعهد زناشویی پایین خواهد بود و البته عکس این قضیه نیز صادق است که تعهد زناشویی پایین مؤید استفاده بیشتر از راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار می باشد. از سوی دیگر بین خودمتمایزسازی و راهبرد مقابله‌ای همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر هر چقدر سطح خودمتمایزسازی زوجین بالاتر باشد، از راهبرد مقابله‌ای مفیدتری در هنگام مواجه با استرس استفاده می کنند. نتایج دقیق‌تر حاکی از این است که خرده مقیاس جایگاه من در متغیر خودمتمایزسازی، رابطه مثبت و معنی‌داری با راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار و رابطه منفی و معنی‌داری با راهبرد هیجان مدار دارد. به علاوه بین خرده مقیاس های راهبرد هیجان مدار

[1]Barrington
[2] Florian, Mikulincer & Hirschberger
[3] Whitson & El-Sheikh

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

با واکنش عاطفی و با آمیختگی با دیگران در متغیر خودمتمایزسازی رابطه مثبت و معنی دار برقرار است، که به این معنی می باشد که سطح خودمتمایزسازی پایین موجب استفاده از راهبرد هیجان مدار می شود.

به طور کلی نتایج نشان داد که سطوح بالای خودمتمایزسازی و استفاده از راهبرد مفید مقابله‌ای(مسئله مدار) می‌تواند پیش بینی کننده تعهد زناشویی بالاتر در افراد باشد و تعهد زناشویی بیشتر از آنکه تابع جنسیت باشد، متاثر از ویژگی های روانی و شخصیتی فرد و کیفیت زندگی زناشویی می باشد. لذا به مشاوران خانواده و دیگر متخصصان بالینی توصیه می‌شود که در اصلاح راهبردهای مقابله‌ای نامناسب و آموزش هرچه بیشتر راهبردهای مناسب و روش های بالابردن سطح خودمتمایزسازی افراد، در جهت بالا بردن تعهد زناشویی گام بردارند و مانع از سست شدن و فروپاشی نهاد خانواده شوند. از محدودیت های این پژوهش، می توان به نوع شرکت کنند گان در پژوهش می باشد که بیشتر از حد معمول افراد نمونه در این پژوهش کارمند و باسواد در حد لیسانس بودند. در نتیجه در تعمیم دادن یافته‌های این پژوهش باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابه در جامعه های آماری دیگر تکرار شود.

منابع

امانی، احمد. بهزاد، داوود. (۱۳۹۰). اثربخشی طرحواره های درمانی در ارتقا تعهد زناشویی و عزت نفس زوج ها. *مجله پژوهش های مشاوره*. (۱۱)، ۴۱، ۱۳۳-۱۱۷.

اولیاء، نرگس. (۱۳۸۸). *آموزش غنی سازی زندگی زناشویی*، تهران: دانژه.

ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس های سنجش خانواده*، تهران: انتشارات بعثت.

چراغی، م. (۱۳۸۹). *رابطه هوش هیجانی و ارتباط ولی – فرزندی با شیوه های مقابله با استرس در نوجوانان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

حیدرعلی، هومن. (۱۳۸۴). *مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*، تهران: نشر سمت.

دی، آنجلیس، باربارا. (۱۳۸۲). *آیا تو آن گمشده ام هستی؟*(ترجمه هادی ابراهیمی). تهران: انتشارات نسل نواندیش.

رایس، ف. (۱۳۸۷). *رشد انسان*، ترجمه مهشید فروغان، تهران: نشر ارجمند.

زارعی، س. حسینقلی، ف. (۱۳۹۳). پیش بینی تعهدزناشویی بر پایه عواطف خودآگاه(شرم و گناه) وتمایزیافتگی خود در دانشجویان متاهل. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، (۱) ۴، ۱۳۳-۱۱۳ .

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

سید محمدی، یحیی. (۱۳۸۹). *نظریه های روان درمانی*. تهران: انتشارات رشد.

شاهقلیان، م. جان نثار شرق، ر. عبداللهی، م. (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و سبک های مقابله با استرس با الگوهای ارتباطی میان زوجین. *مجله پژوهش های مشاوره*، (۲۲) ۸۸-۷۳ .

غضنفری، ف. قدم پور، ع. (۱۳۸۷). بررسی رابطه راهبردهای مقابله ای و سلامت روان در ساکنین شهر خرم آباد. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۰، ۵۴-۴۷.

فرزین راد، بنفشه. اصغرنژاد، فرید. یزدان دوست، رخساره. حبیبی عسگرآباد، مجتبی. (۱۳۸۹). مقایسه راهبردهای مقابله ای و سبک های شخصیتی در دانشجویان افسرده و غیر افسرده. *مجله علوم رفتاری*، ۴، ۲۱-۱۷ .

کاوی، استیون. (۱۳۸۸). *هفت عادت خوب خانواده*، ترجمه سوسن ملکی، تهران: ذهن آویز .

کریمیان، نادر. کریمی، یوسف. بهمنی، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*. (۱) ۲، ۲۵۶-۲۴۳.

میرمحمد صادقی، مهدی. (۱۳۸۴). *آموزش پیش از ازدواج*. تهران: سازمان بهزیستی.

نجاریان پور، سمانه. (۱۳۸۷). تاثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی های تعهد در دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا. *فصلنامه خانواده پژوهی*، (۱۳) ۴، ۸۶-۷۷ .

یوسفی، ناصر. اعتمادی، عذرا. بهرامی، فاطمه. بشلیده، کیومرث. شیربیگی، ناصر. (۱۳۸۹). بررسی روابط ساختاری آسیب شناسی خودمتمایزسازی در خانواده درمانی بوون با بهزیستی ذهنی، سلامتی روانی و بهداشت کیفیت زناشویی «برازش نظریه بوون». *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، (۱۲) ۳، ۶۸-۷۶.

Adams, J. M., & Jones, T. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*,72, 1177-1196.

Arieta, M. T. (2008). Women s'couple relationship satisfaction: The impact of family structure and interparental conflict. *Unpublished Doctoral Dissertation*.Sanfrancisco University.

Barrington, H. Brennen. (2002). Is commitment enough? www.sounds of encouragement.com.

Bohlnder, R. W. (1999). Differentiation of self, need fulfillment, and psychological well-being in marriedmen. *Psychological Reports*, 84, 1274-1280.

Bowen, M (1978). Family therapy in Clinical Practice. New York: Aronson.

Brandau-Brown, F, E. & Ragsdale, J.D. (2005). Twe cultures: A gendered approach to commitment and relational repair in marriage. *Intercultural Communication Studies* XIV3.

Cheng YY, Kuo CH, Hsieh WL, Lee SD, Lee WJ, Chen LK, et al. (2012). Anxiety, depression and quality of life(QoL) in patients with chronic dizziness. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 54(1), 131-135.

Coan, S. (2004). The impact of residential experience on the Division of Household labor, conflict patterns, differentiation, and marital satisfaction. Unpublished Doctoral Dissertation.

Dean, D, G, Spanier, G, B. (2005). Commitment: An overlooked variable in marital adjustment. *Sociological Forc*, 7, 113-8.

DeCesar, S, D. (2008). Anxiety and depression: self-differentiation as a unique predictor. Unpublished doctoral issertation, Faculty of psychology and counseling, Mary wood University, Utah.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

Edalati, A., & Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 6(4), 132- 137.

Elieson, m. v. & Rubin, L. J. (2001). Differentiation of self and major depressive disorders: A test of Bowen theory among clinical, traditional, and internet groups. *Family therapy*, 29, 125-142.

Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990), State- trait coping, Trait anxiety andacademic erformance, *Personality and individual difference*, vol(16). No. 5. pp. 663 - PP. 663 – 676.

Florian, V., Mikulincer, M., &Hirschberger, G. (2002). The anxiety buffering function of close relationship: Evidence that relationship commitment acts as e terror management mechanism. *Journal of Personality Social Psychology*, 82(4), 527-542.

Glade, A.C. (2005) Differentiation, marital satisfaction and depressive symptoms: an application of Bowen theory. Unpublished doctor dissertation, School of Family Research, The Ohio State University, Ohaio

Halamandaris, K. F., & Power, K. G. (1999). Individual differences, social support and coping with the examination stress: A study of the psychosocial and academic adjustment of first year home students. *Personal Individ Differences*, 26(4), 665-685.

Harris, V. W. (2006). Marital quality, context, and interaction: A comparison of individuals actress various income levels. *Sci Context*, 17, 48-52.

Heras, J. E. (2008). A clinical application of *Bowen family systems theory* [On-line].Available: www.thebowencenter.org

Impett, E. A. Beals, K. P. & Peplau, A, A. (2001). Testing the investmentmodel of relationship commitment and stability in a longitudinal study of married couples. *Current Psychology*,20 (4) , 312-326.

Kapinus, C. A.. johnson, m. p. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tools. Commitment and family life- cycle stage. *Journal of family issues*, 24(2), 155-184.

Karekla, M, & Panayiotou, G.(2011). Coping and experiential avoidance: Unique or overlapping constructs? *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 43, 163-170.

Klever, Ph. (2009). Goal differentiation effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital Family Therapy*, 35(3), 308-24.

Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). Stress, appraisal, and coping. New York:Springer.

MacCarthey, B.(1999). Marital style and its' effects on sexual desire and functioning. J Fam Psycho Ther, 10: 1-12.

Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11 , 614–628.

Maynard, S. (2000). Growing up in an alcoholic family system: The effect on anxiety and differentiation of self. *Journal of Substance Abuse*, 9. 161-170.

Miller, R.(2004). Is Bowen theory valid? A review of basic research. Journal ofmarital and family therapy.

Moos, R.H., Billings, A.G. (1982). *Conceptulizing measuring coping resources and process*. InL.Goldbreger, and S.Breznitz(Eds), Handbook of stress. *New York: free Press*.pp. 212-230.

Mosko, J.(2009). Commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University.

Nygren, M, Carstensen J, & Ludvigsson J. (2012). Adult attachment and parenting stress among parents of toddlers. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 30, 289-302.

Panthee B, Kritpracha C, Chinnawong, T. (2011). Correlation between Coping Strategies and Quality of Life among Myocardial Infarction Patients in Nepal. *Nursing*, 1 (2), 187-194.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]

Pihet, S, Kayser K. (2006). The relationship between dyadic coping and marital quality: a 2-year longitudinal study, *Journal of Family Psychology*, 20, 485-93.

Pineo, P. (2012). Disenchantment in the later years of marriage. Marriage and Family Living, 23, 3-11.

Schwarzer, R., Schwarzer, Ch. (1996). A critical survey of coping instruments. In M. Zeinder & N.S Endler (Eds). *Handbook of coping*. New York: Wiley.

Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26, 337-357.

Soulas T, Sultan S, Gurruchaga JM, Palfi S, Fénelon, G. (2012). Changes in quality of life (QoL), burden and mood among spouses of Parkinson's disease patients receiving neurostimulation. *J Parkinsonism & RelatedDisorders*, 18(5),602-5.

Steinberg, L., & Silverberg, S. B. (2012). Influences on marital satisfaction during the middle stage of the family life cycle. *Journal of Marriage and the Family*, 49, 751-760.

Tangir, E., Lippman, G. & Glaser, M. (2010). "The relationship between coping stress and social isolation in the women with breast cancer. *Journal of behavioral medicine*. 1, 155-161.

Tilghman-Osborne, C., Cole, D. A., et al. (2008). *Relation of Guilt, Shame, Behavioral and Character logical Self- Blame to Depressive Symptoms in Adolescents Over Time*, Guilford Publications. 27, 809–842.

Tuason, M. T, & Friedlander, M. L. (2000). Do parents' differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of bowen theory in Philippine sample. *Journal of Counseling Psychology*, 47(1),27-35.

Utne, M. K., Hatfield, E., Traupmann, J., & Greenberger, D. (2011). Equity, marital satisfaction and stability. *Journal of Social and Personal Relationships*, 1, 323-332.

Whiffen, V. (2012). Disentangling causality in the association between couple and family processes and depression. In J. L. Lebow., & W. M. Pinsof. (Eds.), *Family Psychology*: The art of the science (pp. 375-396). London: Oxford University Press.

Whitson, S., El-Sheikh, M. (2003). Marital conflict and health: Processes and protective factors. *Aggression and Violent Behavior*, 8, 283–312.

Yooya .Y. (2007). The relationship among the family functioning, self-differentiation and junior high school student"s irrational beliefs.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.11.0]